

اقامه دعوی جبران خسارت زیست محیطی در نظام حقوق ایران

مجتبی همتی*

استادیار گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۰۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰۴/۱۴)

چکیده

برخورداری از محیط زیست سالم یکی از حقوق بنیادین افراد است که در قانون اساسی نیز مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر اشخاص خصوصی که موظف به جلوگیری از آلودگی محیط زیست هستند، نهادهای دولتی هم در این حوزه دارای مسئولیت هستند. حفاظت از محیط زیست مستلزم حاکمیت یک سری اصول بر عملکردها و نیز مبنای موثر مسئولیت در قبال خسارات زیست محیطی است. نقش قوه قضائیه در این حوزه شامل نظارت و پیشگیری فراگیر و فعالانه، تعقیب فراگیر و فعالانه و جبران های قضایی موثر می باشد. سوالات مطرح که این مقاله با رویکرد نوین و جامع به دنبال پاسخگویی به آنهاست عبارتند از: خواهان و خوانده دعوی زیست محیطی کیست؟ چه مراجعی صالح به رسیدگی به دعوی زیست محیطی هستند؟ انواع جبران های قضایی کدام است و چه سازوکارهایی برای حمایت موثر از محیط زیست لازم و ضروری است؟ این مقاله از طریق جمع آوری داده ها از منابع حقوقی مختلف و با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به سوالات مذکور است.

کلیدواژگان: قوه قضائیه، خسارات زیست محیطی، جرایم زیست محیطی، اصول اساسی حمایت محیط زیست، جبران های قضایی.

مقدمه

تخریب محیط زیست، مهمترین عامل تعدی گرایانه است که موجب تضعیف حق حیات (چه کیفیت و چه طول زندگی) می‌گردد. روش‌های ارزیابی و جبران خسارت‌های زیست محیطی، با بررسی قوانین ملی مختلف، مسلماً قابل ارتقااست. این امر نه تنها مستلزم نظام حقوقی یکپارچه و منسجم، بلکه گام‌های جدی و عملی برای عملیاتی کردن آن‌هاست (Brasoveanu and Brezeanu, 2012, p. 1049). لازمه نظام حقوقی یکپارچه و منسجم، اقدامات مناسب در سطوح تقنینی، اجرایی و قضایی است. در سطوح تقنینی، باید نهادهای متولی مربوطه لوایح جامعی که در آن حوزه‌های مورد حمایت محیط زیست، تکالیف و صلاحیت‌های قانونی همه اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی و اشخاص حقیقی حقوق عمومی (مستخدمین عمومی) و اشخاص حقوقی حقوق عمومی (ارگان‌های مختلف حکومت جمهوری اسلامی ایران - نهادهای انقلابی - نهادهای عمومی غیردولتی) به روشنی مشخص شده باشد را تهیه کرده و برای تصویب به مراجع تقنینی مربوطه ارائه دهند تا ضابطه رفتاری افراد جامعه در حوزه محیط زیست باشد. این جامعیت و شفافیت باعث رفع همه ابهامات و تعارض‌ها و تداخل‌های صلاحیتی در مقام اجرا می‌شود. مرحله دوم، مقررات‌گذاری و تنظیم‌گری و اجرای آنهاست. در این مرحله سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری و سایر سازمان‌های متولی در حوزه محیط زیست به مفهوم عام، استانداردها و مقررات لازم را در هر حوزه‌ای تعیین و بر اجرای دقیق آنها توسط نهادهای عمومی و دولتی و اشخاص خصوصی نظارت می‌کنند. ضمانت اجرای قوانین و مقررات زیست محیطی در درون قوه مجریه، مجازات‌های حاکم بر تخلفات اداری است که در قانون رسیدگی به تخلفات اداری و آیین‌نامه اجرایی آن بیان شده است. در ماده ۸ قانون فوق‌الذکر، نقض قوانین و مقررات مربوط (که می‌تواند قوانین و مقررات زیست محیطی باشد)، ارائه گواهی یا گزارش خلاف واقع در امور اداری (از جمله در حوزه محیط زیست)، سوءاستفاده از مقام و موقعیت اداری (مخصوصاً در زمینه صدور مجوزهای مرتبط با محیط زیست) از جمله تخلفات اداری ذکر شده است. مجوزها به لحاظ مبانی حقوقی هم ابزار اجرای سیاست‌های دولت (از جمله در حوزه محیط زیست) و هم برای کنترل افعال و اعمال مجاز و غیرمجاز هستند و اهداف نظام حقوقی صدور مجوزها، حمایت از امنیت و نظم عمومی، اخلاق عمومی، بهداشت و سلامت عمومی، حقوق و منافع قانونی افراد و حفظ محیط زیست می‌باشد

(مشهدی، ۱۳۹۲، صص ۴۳-۳۶). البته برخی از تخلفات اداری، واجد وصف کیفری بوده و همچنین می‌توانند به خسارت موجب مسئولیت مدنی منجر شوند.

در آخرین گام، این دستگاه قضایی است که ضمانت اجرای قاطع هنجارهای زیست محیطی است که خود به دو دسته مسئولیت کیفری (جرائم زیست محیطی) و مسئولیت مدنی (خسارات زیست محیطی) قابل تقسیم است و البته قانونگذار در راستای تأمین اهداف مورد نظر در حوزه محیط زیست، این دو ضمانت اجراهای قانونی را پیش‌بینی نموده است.

وجه تمایز این تحقیق از سایر پژوهش‌ها در این است که نقش ارکان چهارگانه قوه قضائیه (سازمان بازرسی کل کشور، دادسراها، دادگاههای دادگستری اعم از کیفری و حقوقی و دیوان عدالت اداری) به عنوان یک چرخه و فرآیند در پرتو اصول اساسی حمایت زیست محیطی و مبنای کارآمد مسئولیت اشخاص حقیقی و حقوقی عمومی و خصوصی (نظریه مسئولیت محض) بررسی و تحلیل شده است. لذا در این مقاله، علاوه بر پرداختن به مبانی نوین مسئولیت، تحلیل مفهوم جرائم زیست محیطی و خسارات زیست محیطی و اصول اساسی حفاظت محیط زیست، به سوالات زیر با رویکرد نوین و جامع پرداخته شده است: خواهان و خواننده دعوی زیست محیطی کیست؟ چه مراجعی صالح به رسیدگی به دعوی زیست محیطی است؟ انواع جبران‌های قضایی کدام است و چه سازوکارهایی برای حمایت موثر از محیط زیست لازم و ضروری است؟ این مقاله از طریق جمع‌آوری داده‌ها از منابع حقوقی مختلف و با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به سوالات مذکور است.

۱. مبانی نظری

۱-۱. مبانی مسئولیت اشخاص خصوصی و عمومی در قبال خسارات زیست محیطی

در حقوق موضوعه برای تبیین مبانی مسئولیت زیست محیطی، نظریه تقصیر و نظریه خطر به عنوان دو مبنای اصلی و نظریه فرض تقصیر، نظریه‌های نامتعارف، نظریه خطر در برابر انتفاع، نظریه مسئولیت در برابر اشتباه خطرناک و نظریه تضمین به عنوان نظریه‌های منشعب از دو نظریه اصلی و تعدیل‌کننده آنها و در فقه و حقوق امامیه نیز نظریه‌های ارزشمندی چون نظریه اتلاف، نظریه تسبیب، نظریه تعدی و تفریط، نظریه لاضرر و نظریه احترام اموال ارائه شده‌اند (ر.ک: فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۳، صص ۸۰-۹۴ و بهرامی احمدی و فهیمی، ۱۳۹۶، صص ۱۵۰-۱۲۱). مبنای نظام مسئولیتی مورد نظر ما تابع قواعد

حقوق عمومی است یا از نظام مسئولیتی خصوصی یا همان نظام مسئولیت حقوق خصوصی پیروی می‌کند؟ نتیجه این بررسی را می‌توان در هدف‌های این دو نظام مسئولیتی و راهکارهای رسیدن به آن‌ها مشاهده کرد. در کشورهایی که از نظام مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر پیروی می‌کنند حیطه مسئولیتی محدود به موارد شمرده شده توسط قانون‌گذار است؛ در حالی که در نقطه مقابل در نظام مسئولیتی نوین که ریشه در حقوق عمومی دارد، قلمرو مسئولیت محض به فعالیت‌های خاصی محدود نمی‌شود و در صورت وقوع هر نوع خسارت زیست محیطی «فرض تقصیر آلوده‌کننده» وجود دارد، چرا که در نظام مبتنی بر حقوق عمومی اصل بر مسئولیت محض آلوده‌کننده است در حالی که در مسئولیت سنتی، ملاک مسئولیتی آلوده‌کننده است. همچنین در دو نظام، مفهوم خسارت نیز تفاوت می‌کند: در نظام مسئولیتی سنتی، قابلیت مطالبه خسارت‌های زیست محیطی با تردید فراوان مواجه است چرا که خسارت مفهوم خاصی دارد و منصرف به اموال خصوصی و حقوق خصوصی اشخاص است. اما یکی دیگر از تفاوت‌های اساسی این دو نظام مسئولیتی، تفاوت در اهداف آنهاست. به طوری که در نظام مسئولیتی سنتی، هدف اصلی جبران خسارات و برگرداندن وضعیت به حالت پیشین است؛ در حالی که در نظام مسئولیتی نوین، هدف اصلی، پیشگیری از ورود خسارت است، یعنی پیش از ورود خسارات، مسئولیت زیست محیطی ایجاد می‌شود (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷، صص ۲۸۸-۲۸۹).

نظریه تقصیر برای مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست جامعیت و کارایی لازم را ندارد؛ زیرا اولاً ارزیابی خسارتهای زیست محیطی بسیار دشوار است؛ دوم اثبات رابطه آلودگی‌ها و خسارات زیست محیطی مشکل و در برخی موارد غیرممکن می‌باشد؛ سوم قربانیان خسارت‌های زیست محیطی انگیزه بسیار کمی برای پیگیری و مطالبه خسارتهای زیست محیطی دارند؛ چهارم در بسیاری از موارد، محیط زیست مال خصوصی نیست و لذا شرط تحقق مسئولیت مدنی، یعنی نقض حقوق مالکیت فردی فراهم نیست لذا بر اساس این نظریه، در عمل اثبات تقصیر غیرمقدور و به تبع آن امکان جبران خسارت غیرممکن است (خوئینی و کرمی، ۱۳۹۳، ص ۶۹). مناسب‌ترین مبنا برای مسئولیت در قبال محیط زیست، با توجه به ویژگی‌های زیست محیطی و فلسفه و روح کلی حاکم بر حفاظت محیط زیست، نظریه مسئولیت محض است که (با توجه به اصل ۱۶۷

قانون اساسی^۱ و اعتبار فقه در صورت خلاء قانونی) می‌توان پشتوانه فقهی آن را احترام به اموال متعلق عموم دانست و تخریب، نابودی و آلوده نمودن محیط زیست و منابع طبیعی که مشترکات متعلق به عموم است باید براساس این نظریه حفاظت گردد؛ چرا که طبیعت دارای ارزش ذاتی در فرایند بهره‌مندی و استفاده انسان از منابع طبیعی و محیط است امری که نه در قوانین ایران به آن توجه می‌شود، نه رویه دادگاه‌های ایران مطابق با این مبنا است. مسأله‌ای که بازنگری اساسی و تدوین قانونی خاص در زمینه رژیم حقوقی جبران خسارات زیست محیطی براساس مبنای مبتنی بر رویکرد مطلوب حفاظتی را ضروری می‌نماید (همان، ص ۵۴ و ۹۴).

براساس نظریه خطر هر کس به فعالیتی پردازد، محیط خطرناکی برای دیگران به‌وجود می‌آورد و هر کسی که از این محیط منتفع می‌شود باید زیان‌های ناشی از آن را نیز جبران کند. این نظریه با حذف تقصیر از زمره ارکان مسئولیت مدنی و عدم نیاز به اثبات تقصیر، دعوای جبران خسارت را آسان‌تر به مقصود می‌رساند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۲۴). برای رفع ایراد سلب انگیزه از فعالان تولیدی و اقتصادی (که به نظریه خطر وارد می‌دانند) با عنصر کارآمد حمایت‌های نظام بیمه‌ای از کلیه فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی، هم می‌توان گامی مؤثر جهت حمایت از فعالیت‌های اقتصادی برداشت و هم حمایت مؤثر از محیط زیست نمود.

نظریه احترام اموال نیز به دنبال توسعه مسئولیت حداکثری حفاظت از محیط زیست است. در واقع، این نظریه مکمل نظریات فرض تقصیر، اتلاف و مسئولیت مطلق است و به عنوان نظریه‌ای رقیب در برابر نظریه مبتنی بر تقصیر قرار می‌گیرد. بدین صورت که در فرضی که تلف مستقیمی به فاعل اسناد داده می‌شود، مورد مشمول قاعده اتلاف و مسئولیت مستقر است و در فرضی که اثبات رابطه سببیت مواجه با مقدمات و واسطه‌های بعیده و با دشواری مواجه گردد، مورد تابع احترام اموال زیست محیطی بوده، به ناچار باید به دلیل وضعیت ویژه خسارات زیست محیطی و اهمیت آنها در حیات انسانی، جبران گردد (فهمی و مشهدی، ۱۳۹۳، ص ۹۲).

البته برای جبران خسارات به وسیله دولت باید به چند نکته توجه داشت: در فرضی که ورود زیان قابل انتساب به دولت است بهترین راه معتقد شدن به مسئولیت محض در راستای قاعده

۱. اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد که: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه‌ی سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد».

لاضرراست. یعنی در وهله اول زبانی که در اثر عملکرد مقام عمومی یا نقص وسایل اداری به محیط زیست وارد می‌شود، به وسیله دولت جبران گردد و در نهایت برای حفظ جنبه بازدارندگی مسئولیت مدنی و کاهش هزینه‌های دولت، چنانچه تشخیص داده شود که زیان در نتیجه رفتار نامتعارف مقام عمومی حاصل شده است، دولت غرامت پرداختی را از او دریافت نماید. با این شیوه، حقوق زیان‌دیده بهتر رعایت می‌شود و مسئولیت مدنی نیز جنبه بازدارندگی خود را حفظ می‌کند و هزینه‌های دولت نیز بی‌رویه افزایش نمی‌یابد. اما در فرضی که زیان قابل انتساب به دولت نیست مثل جایی که عامل زیان شناخته شده نیست و یا زیان ناشی از بلایای طبیعی است، نظر به اهمیت فراوان محیط زیست، بهتر است که اگر زیان به وسیله وارد کننده آن قابل جبران نبود، دولت وارد عمل شود و براساس نظریه استحقاق، جامعه را از تحمل آلودگی‌های محیط زیست برهاند (علم‌خانی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۲). با توجه به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی «کارمندان ... که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارتی را ... وارد نمایند، شخصاً مسئول ... می‌باشند»، کارمند در سه حالت خسارت عمدی، بی‌احتیاطی^۱ و خروج از صلاحیت دارای مسئولیت مدنی خواهد بود. در غیر این صورت، دولت دارای مسئولیت خواهد بود (زرگوش، ۱۳۹۲، صص ۵۲-۴۸). بی‌احتیاطی ناظر بر فعلی است که نباید انجام بگیرد و لیکن صورت پذیرفته است و بی‌مبالاتی ناظر بر ترک فعلی است که باید انجام می‌گرفت و لیکن صورت پذیرفته است.

۱-۲. خسارات و جرایم زیست محیطی

در این مبحث به دو مفهوم که مرتبط با قوه قضائیه است و برای ورود به بحث نقش این قوه کلیدی هستند می‌پردازیم.

۱-۲-۱. ضرر یا خسارات زیست محیطی

مسئولیت مدنی زمانی محقق می‌شود که به واسطه‌ی فعل یا ترک فعلی که شخص مرتکب می‌شود ضرر مادی یا معنوی متوجه دیگری باشد (امامی و استواری سنگری، ۱۳۹۰، ص ۳۶۳). در هر مورد

۱. تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است (تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). در قانون مسئولیت مدنی، تنها بی‌احتیاطی که یک اقدام مثبت زیانبار است از موجبات مسئولیت مدنی ذکر شده است اما ذکر از بی‌احتیاطی بعنوان فعل منفی یا ترک فعل به میان نیامده است.

که شخصی موظف به جبران خسارت دیگری است مسئولیت مدنی او مطرح است. بر اساس تعریف کارگروه وابسته به برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP)، «خسارات زیست محیطی آن چنان تغییری است که تاثیر مضر قابل سنجش و قابل ارزیابی بر کیفیت محیط زیست یا بر عناصر آن می گذارد. خواه این عناصر دارای ارزش تجاری باشند و خواه نباشند. از سوی دیگر خسارات زیست محیطی تغییراتی را نیز شامل می شود که بر توانایی آن محیط در جهت تداوم کیفیت قابل قبول و حمایت از حیات و تعادل زیست محیطی پایدار اثرات سوء می گذارد» (شاه حسینی و مشهدی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۵). در حقوق فرانسه، منظور از خسارات وارده بر محیط زیست، هر قسم تخریب مستقیم یا غیرمستقیم قابل اندازه گیری بر محیط زیست است. در حقوق آلمان، منظور از خسارت، هرگونه تغییر نامطلوب قابل اندازه گیری در منابع طبیعی (گونه ها، سکونتگاه های طبیعی، آب و خاک) یا اختلال قابل اندازه گیری در کارکرد منابع طبیعی می باشد که ممکن است بگونه ای مستقیم یا غیرمستقیم حادث شود. بر این اساس خسارات زیست محیطی به معنای: الف) خسارت بر گونه ها و زیستگاه های طبیعی ب) خسارت بر آب ها ج) خسارات به زمین از طریق آسیب به کارکردهای خاک و تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم مواد و ارگانیزم ها و میکروارگانیزم های خاک که خطری را برای سلامتی انسانی ایجاد نماید (مشهدی، ۱۳۸۹، صص ۱۰۶-۱۰۵). در ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، آلودگی محیط زیست تعریف شده است که مفهوم محدودی نسبت به خسارات زیست محیطی است. ضرر یا خسارت در حوزه محیط زیست مفهوم گسترده ای دارد و ضررهای مادی (ضرر حال و آینده و ضرر قطعی و محتمل) و ضررهای معنوی (هر چند جوان بودن مباحث زیست محیطی هنوز به جبران آنها نپرداخته گرچه حقوق آیندگان را تضییع می نماید) را در برمی گیرد. همه ضررهای وارده در یک حادثه، مربوط به حال نیست بلکه گاهی منشا ضرر مربوط به حال و بروز ضرر مربوط به آینده است (فهیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۳). ضرر آینده را نباید با ضرر احتمالی اشتباه گرفت. ضرر آینده ضرری است که عرفاً وجود و تحقق آن در آینده حتمی و مسلم است و چنین خسارتی قابل مطالبه است (شهیدی، ۱۳۷۷، ص ۷۳ به نقل از فهیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۴). ضرر قطعی به طور حتم واقع می شود ولی ضرر احتمالی، ضرری است که احتمال و امکان تحقق و به همین میزان عدم تحقق آن در آینده وجود دارد (باریکلو، ۱۳۸۵، ص ۷۱ به نقل از منبع بالا). البته ضرر محتمل خود بر دو قسم است: محتمل الحصول و قطعی الصدور که نوع قطعی آن، بالفعل قابل مطالبه است. در مقوله محیط زیست، از بین بردن مواهب طبیعی، ضررهای محتمل زیادی برای نسل های بعدی خواهد داشت (فهیمی، ۱۳۹۶،

ص ۱۱۴). حوزه‌هایی که این خسارتها می‌تواند در آنها محقق شود بسیار گسترده است: آب، هوا، خاک، حفاظت از طبیعت (تنوع زیستی، کوهستان، ساحل، جنگل‌ها، تالاب‌ها، پارک‌ها و ذخیره‌گاه‌ها) حفاظت از میراث فرهنگی، طبیعی و گردشگری، آلودگی صدا، حمل و نقل، مواد سمی، خطرناک و پسماندها (ر.ک: عبداللہی، ۱۳۸۹، صص ۲۸۲-۱۶۱ و مشهدی، خسروشاهی و یوسفی، ۱۳۹۱، صص ۱۴۵-۴۵). در مسئولیت مدنی ناشی از خسارتهای زیست محیطی هم ارکان مشترک این مسئولیت وجود داشته باشد یعنی باید بین فعل زیانبار عامل زیان و خسارات وارد شده به محیط زیست، رابطه سببیت احراز گردد (در خصوص ارکان مسئولیت مدنی ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۴، صص ۱۰۵-۳۷).

۱-۲-۲. جرایم زیست محیطی

جرم زیست محیطی، یک واژه مبهم و پیچیده است. گاهی اوقات به عنوان یک واژه عام برای جرایم مرتبط با تنوع زیستی، حیات وحش، حیوانات، منابع طبیعی، زباله‌های خطرناک، مواد ممنوعه و کیفیت محیط زیست می‌شود اما صاحب نظران اقدام به سنخ شناسی برای تبیین ابعاد ویژه هر شکل از جرایم زیست محیطی کرده‌اند. اختلاف نظرهای راجع به اینکه آیا نقض و تخلفات از قوانین زیست محیطی^۱ (که از طریق رسیدگی مدنی و اقدام اداری پیگیری می‌شوند) از جرایم زیست محیطی^۲ (که به صورت کیفری تعقیب می‌شوند) متمایز شوند و همچنین آیا ضررهای زیست محیطی^۳ (فعالیت‌های قانونی که به محیط زیست صدمه می‌زند) یا خطرهای زیست محیطی^۴ را نیز مد نظر قرار دهند، موجب سردرگمی شده و طیف مجرمان نیز به این پیچیدگی دامن می‌زنند چرا که افراد، گروه‌ها/ شبکه‌ها و سازمانهای قدرتمند، جرایم زیست محیطی را مرتکب می‌شوند و میزان ضرر وارده توسط این بازیگران هم برابر نیست (Gibbs and Boratto, 2017, p. 1). با این حال، در

۱. Violations of environmental laws

۲. environmental crimes.

۳. environmental harms.

۴. environmental risks

خطر دو معنی متفاوت دارد: در یک زمینه به معنای خطر یعنی در معرض خطر یا حادثه ناگوار قرار گرفتن است و در زمینه‌های دیگر به معنای احتمال تحمل یک نتیجه ضرر نامطلوب یا مواجه شدن با ضرر می‌باشد.

Carnegie Department of Global Ecology, Environmental Risks, available in: https://dge.carnegiescience.edu/SCOPE/SCOPE.../SCOPE_15_1.1_chapter1_1-14.pdf, last visited 2018/5/16.

مقام تحدید موضوع به مفهوم خاص آن می توان گفت جرم زیست محیطی عبارت است از هر نوع فعل یا ترک فعلی که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر انداختن زندگی و سلامت بشر شده و به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده است (مشهدی، ۱۳۸۹، صص ۹۴-۹۳). در ایالات متحده آمریکا، دستورالعمل محکومیت^۱، به لحاظ شدت، تخلفات زیست محیطی را به چهار دسته تقسیم می کند: تهدید عمدی زندگی بشری، تخلفات دربردارند مواد سمی و خطرناک، تخلفات دربردارنده سایر آلاینده ها و جرایم مربوط به حیات وحش و حفاظت منابع طبیعی (Shover and Routh, 2005, p. 351). جرایم زیست محیطی همانند سایر جرائم از سه عنصر قانونی (که فصل ۲۵ قانون مجازات اسلامی: تعزیرات به عنوان قانون عام و قوانین خاص متعدد جرم انگاری شده اند)، رکن مادی (فعل یا ترک فعل) و عنصر معنوی (عمدی^۲ و غیرعمدی^۳) تشکیل می شود و در قوانین مختلف حسب نوع، شدت و تکرار جرم، مجازات حبس، جزای نقدی، حبس و شلاق، حبس و جزای نقدی، حبس و خلع ید، جزای نقدی و جلوگیری از تردد وسیله، جزای نقدی و مصادره، جزای نقدی و ضبط عین مال، جزای نقدی و مصادره و تعطیلی موقت، حبس یا جزای تعدی و یا هر دو، حبس یا جزای نقدی و تعطیلی و انتقال برای جرایم زیست محیطی مقرر شده است (ر.ک: قاسمی، ۱۳۸۴، صص ۲۳۵-۱۷۳).

۲. اصول اساسی حمایت زیست محیطی

این اصول از این جهت مهم و پرداختن به آن ضروری هستند که راهبرد قانونگذاری، اجرایی و قضایی را در حوزه محیط زیست بیان می دارند. یعنی زمانی عملکرد مجلس در قانونگذاری و نظارت

۱. Federal Sentencing Guidelines

دستورالعمل محکومیت فدرال، قواعدی هستند که دستورالعمل واحد محکومیت کیفری برای افراد و سازمانهایی که به جنایت و جنحه های شدید (درجه یک) محکوم می شوند تعیین می کند.

۲. ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرائمی که وقوع آنها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

۳. ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: تحقق جرائم غیر عمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است. در جنایات غیر عمدی اعم از شبه عمدی و خطای محض مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال می شود.

تبصره- تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی مبالایی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی احتیاطی یا بی مبالایی محسوب می شود.

بر عملکرد سازمانها در حوزه محیط زیست، عملکرد قوه مجریه (اعم از سیاستگذاری، اجرا و نظارت بر اجرا) و نیز قوه قضائیه (اعم از پیشگیری و صدور حکم جبران قضایی) موثر و کارآمد خواهد بود که به این اصول توجه جدی داشته باشند.

۲-۱. اصل پیشگیری

تجربه و عقیده متخصصان علمی ثابت می‌کند که اصل جلوگیری برای محیط زیست چه از جنبه اکولوژیک و چه از لحاظ اقتصادی به عنوان یک قاعده طلایی به حساب می‌آید؛ چون غالباً جبران آسیب‌های وارد شده به محیط زیست غیرممکن است. این آسیب‌های جبران‌ناپذیر عبارتند از: انقراض گونه‌های جانوری و گاهی فرسایش خاک یا حتی تخلیه مواد آلوده کننده پردوام در داخل دریا که وضعیت‌های غیرقابل برگشتی ایجاد می‌کنند. حتی اگر خسارات وارد شده قابل جبران باشد هزینه‌های احیا گران است (آریا پارسا، ۱۳۹۳، ص ۱۴۹). اقدامات پیشگیرانه باید به منظور جلوگیری از ورود خسارات بر محیط زیست و یا تدارک اقدامات ضروری پیشین اتخاذ گردند. همچنین اصل پیشگیری باید پیش از اجرای یک فعالیت یا ساخت و ساز اعمال گردد. نکته مهم این است که باید از خطرات شناخته شده و قابل پیش‌بینی با هر ابزار و طریق ممکن از قبیل تغییر مواد اولیه خام یا تغییر فنون و فناوری‌های تولید، جلوگیری یا به شدت کاهش داد هر چند این خسارات و خطرات خاص و احتمالی باشند. بنابراین ارزیابی اقدامات باید امکان شناخت هر چه بهتر خطر، یافتن ابزارهای کاهش و حتی از بین بردن آن را بدهد (مشهدی، خسروشاهی و یوسفی، ۱۳۹۱، صص ۳۴-۳۳).

۲-۲. اصل احتیاطی

این اصل برآمده از عدم قطعیت‌های علمی در زمینه امکان ورود خسارت بر محیط زیست و به دنبال حمایت حداکثری از محیط زیست است (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۳). اصل ۱۵ اعلامیه ریو احتیاط را به شرح زیر صورت‌بندی می‌کند:

«به منظور حفاظت از محیط‌زیست، دولتها باید مطابق توانایی خود، رویکرد احتیاطی را به نحو گسترده‌ای اعمال نمایند، جایی که تهدیداتی دایر بر ورود خسارت شدید یا غیرقابل بازگشت وجود داشته باشد. فقدان قطعیت کامل علمی نباید به عنوان دلیلی برای تعلیق تدابیر موثر اقتصادی جهت پیشگیری از تخریب محیط زیست مورد استفاده قرار گیرد (عبداللهی، ۱۳۸۹، ص ۷۵).

۲-۳. پرداخت توسط آلوده‌ساز

به طور کلی، آلوده کنندگان باید هزینه تدابیر کنترل کننده آلودگی را بپردازند. بند ۳ ماده ۱۱۰-۱ کد محیط زیست فرانسه (اصلاحی به موجب قانون مصوب ۲۷ فوریه ۲۰۰۲) مقرر می‌دارد: «براساس اصل پرداخت توسط آلوده‌ساز، هزینه‌های ناشی از اقدامات مربوط به جلوگیری و کاهش آلودگی و اقدام علیه محیط‌زیست می‌بایست بوسیله آلوده کننده تامین شود» (مشهدی، ۱۳۹۱، ص ۳۲).

۲-۴. اصل توسعه پایدار

این اصل با هدف آشتی میان سه عنصر جدایی ناپذیر توسعه اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و احترام به محیط‌زیست مطرح گردید. (همان، ص ۳۰).

۲-۵. اصل جبران خسارات زیست‌محیطی

خسارات زیست محیطی، به علت ویژگیها و ماهیت ویژه‌ای که دارند لزوم اتخاذ رویکردهای مبتنی به مسئولیت مبتنی بر خطر را تقویت می‌نماید. خسارات زیست‌محیطی، غالباً غیرقابل جبران، دیرپا و از لحاظ بار اثبات مشکل هستند. بر این اساس، برابر ماده ۴ منشور محیط زیست فرانسه هر شخص باید در چارچوب مقرر در قانون، نسبت به جبران خساراتی که بر محیط زیست وارد می‌نماید اقدام نماید. (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۳).

۲-۶. اصل مشارکت

این اصل دو چهره دارد: در حقیقت این اصل دربردارنده حق بر اطلاعات و حق بر مشارکت است. همچنین می‌توان کنوانسیون دسترسی به اطلاعات و مشارکت عموم در فرایندهای تصمیم‌گیری و دسترسی به عدالت در زمینه محیط‌زیست (کنوانسیون ۱۹۹۸ آرهاس) را نیز افزود. اصل مشارکت، حقی است متعلق به بازیگران متعدد اجتماعی که در امر نحوه برخورد با مسائل زیست‌محیطی مشارکت می‌نمایند (مشهدی، خسروشاهی و یوسفی، ۱۳۹۱، ص ۳۵).

۲-۷. اصل عدالت زیست محیطی

به طور کلی، عدالت زیست محیطی به دنبال تضمین مقررات گذاری و تخصیص منصفانه منابع کم‌یاب از سوی مقامات است تا این اطمینان حاصل شود که منافع برآمده از منابع زیست محیطی،

هزینه‌های مرتبط با حفاظت از این منابع و هرگونه تخریبی که رخ می‌دهد (یعنی تمامی منافع و بار اقتصادی ناشی از این تخریب) عادلانه بین تمامی اعضای جامعه تقسیم خواهد شد (عبداللهی، ۱۳۸۹، ص ۷۹).

۲-۸. امانت عمومی

مفهوم امانت عمومی بیانگر ایده‌ای است که به موجب آن نسل حاضر امانت‌دار منابع طبیعی زمین برای نسل‌های آتی است. در صورتی که نظریه امانت عمومی به عنوان اصل حقوقی قابل اعمال باشد، متضمن این قاعده حقوقی است که حکومتها امانت‌دار برخی چیزها، از قبیل منابع طبیعی و اعمال قدرت عمومی برای شهروندان هستند و باید از آنها به نفع عموم بهره‌برداری کنند (همان، ص ۸۰).

۳. خواهان در دعاوی زیست محیطی

لازم است وضعیت حقوقی اشخاص خصوصی و نهادهای دولتی به عنوان خواهان دعاوی زیست محیطی از هم تفکیک گردد:

۳-۱. شهروندان و نهادهای غیر دولتی

جرایم علیه محیط زیست به عنوان مجنی علیه، قربانی خاموشی است که امکان اعلام شکایت یا دادخواهی ندارد. چنانچه زبانی مستقیم به اشخاص وارد نشود و فقط محیط زیست موضوع جرم قرار گیرد، در اغلب سیستم‌های حقوقی، در نظر اول، تنها فردی که می‌تواند اقامه دعوی کند دادستان است. (رمضانی قوام آبادی و جوادمنش، ۱۳۹۵، ص ۹۸۷). در حوزه محیط‌زیست به نظر می‌رسد اهمیت حفاظت از طبیعت، گیاهان و جانوران برای نسل‌های آینده به مثابه امری بنیادین برای نوع بشر فراتر از حقوق افراد خاص است. بنابراین، دامنه سمت به درستی گسترده‌تر از سایر حوزه‌ها شناسایی می‌شوند. ضمن آنکه مفهوم توسعه پایدار نیز دربرگیرنده مسئولیت شهروندان امروز در برابر نسل آتی است. بنابراین امکان طرح دعوی بر مبنای منفعت عمومی تضمین کننده تحقق مبانی و بستر توسعه پایدار و در زمره حقوق شهروندی قابل طبقه‌بندی و طرح است. اگر بپذیریم محیط زیست کالایی عمومی است به تبع، باید قبول کنیم برای حفظ آن به مداخله عموم نیازمندیم (همان،

ص ۹۹۸) و اقتضای اصل ۵۰ قانون اساسی هم در زمینه مسئولیت همگانی در حفاظت محیط زیست همین است.

اعطای سمت به شهروندان و بویژه سازمانها و انجمنهای غیردولتی، در طرح دعوی منفعت عمومی یکی از کارآمدترین شیوههای مشارکت مردمی در سطوح مختلف تصمیم گیری و اجرای کارآمد حقوق محیط زیست و تحقق محیط زیست سالم است. از این رو، بسیاری از کشورها، با بهره گیری از تمامی ظرفیت های حقوقی، اعم از قوانین موضوعه و تفسیر قضائی مناسب، راه را برای طرح دعوی منفعت عمومی^۱ هموار کرده اند (جم، ۱۳۸۷، ص ۸۱). حفاظت از محیط زیست، امروزه نیازمند همکاری، هماهنگی و تجمع همه امکانات جامعه و مشارکت بازیگران دولتی، غیردولتی و نیز شهروندان می باشد. از سوی دیگر فرابخشی بودن حمایت از محیط زیست به گونه ای است که همه گروه ها، سازمان ها و افراد را تحت تاثیر قرار می دهد و تکالیفی را بر عهده آنها می نهد. لذا می توان گفت که امروزه اجرایی شدن حفاظت از محیط زیست در چارچوب وظیفه عمومی حفاظت مذکور در اصل ۵۰ قانون اساسی و اجرای سیاست های زیست محیطی آن، نیازمند توجه به رویکردهای همکاری گرایانه است (مشهدی، ۱۳۹۵، ص ۷۶). با نگاه به قوانین و مقررات مصوب در زمینه محیط زیست از جمله قانون شکار و صید، قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع، آیین نامه اخذ ورودیه از پارک ها و موزه ها، قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی، قانون مناطق دریایی، قانون مجازات صید غیر مجاز در دریا و... متوجه می شویم که این قوانین اشاره ای به حق اقامه دعوی توسط اشخاص خصوصی و یا سازمان هایی که متصدی امر حفاظت محیط زیست نیستند، ندارند. اما مطابق «آیین نامه اجرایی هیئت وزیران در خصوص تأسیس و فعالیت سازمان های غیردولتی»^۲ (مورخ ۸۱/۱۱/۹ و اصلاحیه ۸۲/۱۰/۲۳) که بیان می دارد سازمان های غیر دولتی «حق دارد متناسب با موضوع فعالیت خود با رعایت این آیین نامه و سایر قوانین و مقررات مربوطه فعالیت نموده و از جمله نسبت به موارد زیر اقدام نماید: دادخواهی در مراجع قضایی و شبه قضایی» و همچنین بر اساس اصل ۳۴ قانون اساسی: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید ...»، سازمان های غیر دولتی یا اعضای آن

۱. Public interest litigations.

۲. مطابق اصل ۱۳۸ قانون اساسی، آیین نامه ها بعد از قانون اساسی و قوانین عادی، هنجارهای لازم الاجرا هستند.

می‌تواند هر کس تلقی شده و برای دفاع از حقوق زیست محیطی (حق بر محیط زیست سالم) خود که در قانون اساسی نیز مورد شناسایی قرار گرفته طرح دعوی کند. همچنین طبق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که بیان می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از ... محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض نمایند». اما در زمینه دعاوی مدنی، این سازمان‌ها نمی‌توانند به عنوان خواهان در دعاوی زیست محیطی علیه سازمان طرح دعوی کنند.

اما در مورد انفال، متأسفانه در جامعه ما بسیاری از اشخاص به خود اجازه تملک و تصرف در آن را می‌دهند و یا آن را به نفع خود به دیگری واگذار می‌کنند. شاید بتوان گفت علت این واقعه این است که صاحبان انفال (عموم) از حق خود به نحو مطلوب دفاع نمی‌کنند و یا سازمان‌های مدافع حقوق عمومی مانند سازمان حفاظت محیط زیست و یا سازمان‌های غیردولتی حامی محیط زیست کارآیی موثر و کافی ندارند. دلیل دیگر این است که در فرهنگ حقوقی ما اغلب، تجاوز به اموالی که در تملک خصوصی افراد است جرم محسوب می‌شود و در مورد انفال که مال بی‌صاحب است اغلب این تجاوز وجهه جرم ندارد که این فرهنگ باید اصلاح شده و قوانین و مقررات روشن و صریح در این زمینه به تصویب برسد. همچنین در برخی از موارد، بعضی از قوانین اجازه تصرف در اموال عمومی را مجاز دانسته‌اند که منجر به تجاوز به این اموال شده است. مثلاً ماده ۳۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها مصوب ۱۳۵۴ به افرادی که تا سال ۴۸ عرصه‌هایی از جنگل و مرتع را تصرف کرده بودند امکان تملک قانونی این عرصه‌ها را داد و یا ماده ۱۴۸ قانون ثبت (اصلاحی ۱۳۶۵) که امکان ثبت قانونی را برای بسیاری از متصرفان اراضی ملی فراهم کرد.

۳-۲. نهادهای دولتی

در ایالات متحده و بسیاری از کشورهای دیگر، مسئولیت اجرای قهری قوانین و مقررات حمایتی زیست محیطی، به صورت مشترک در صلاحیت نهادهای ملی و دون ملی است. پلیس و دادستانهای محلی عموماً تخصص یا منابع بودجه‌ای برای پذیرش و بازرسی و تحقیق همه جرایم خاص زیست محیطی را ندارند. جرایم خیلی پیچیده، نیازمند پرسنل و متخصصین در سطح منطقه‌ای و ملی است.

پیچیدگی بسیاری از جرایم زیست محیطی، مستلزم همکاری مشترک نهادهای مقررات گذار و نهادهای اجرای قهری قوانین و مقررات است. (Shover and Routhe, 2005, p. 349)

۳-۲-۱. نظارت و بازرسی فراگیر، فعال و پیشگیرانه سازمان بازرسی کل کشور

اصل ۱۷۴ قانون اساسی، در راستای نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، تشکیل سازمان بازرسی را مقرر کرده و ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور اصلاحی ۱۳۸۸، در اجرای ماده ۱ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۳، حوزه‌های نظارت سازمان را از نظر عملکرد نهادهای مقامات عمومی و موضوع نظارت تفکیک می‌نماید. به موجب ماده ۱ قانون تشکیل سازمان، این نظارت و بازرسی شامل مراحل قبل، حین و بعد از اقدامات دستگاه‌های اداری است. با توجه به اهمیت پیشگیری در حوزه محیط زیست، این اختیار قانونی مهمترین ابزار قوه قضائیه برای پیشگیری از وقوع جرایم یا خسارتهای زیست محیطی در حوزه عملکرد نهادهای عمومی و دولتی است. با توجه به اینکه نارسایی‌های عملکردی دستگاههای اجرایی جهت رفع آنها و بهبود امور (موضوع بند ج ماده ۲ قانون تشکیل سازمان) به بالاترین مقامات مسئول آن دستگاهها ارسال می‌شود، بهتر است تهیه گزارش‌های سازمان با همکاری سازمان حفاظت از محیط زیست (جهت استفاده از تخصص و تجربیات آن سازمان) صورت گیرد. به موجب ماده ۴ آیین‌نامه، برنامه نظارت و بازرسی، قبل از پایان هر سال برای سال بعد، با رعایت اولویت‌ها تهیه و تدوین و به تصویب ریاست قوه قضائیه می‌رسد. در تدوین برنامه و انجام نظارت و بازرسی‌های مستمر، نکات زیر باید مورد توجه قرار گیرد.

الف) عملکرد دستگاه از حیث حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین، شامل تناسب ساختار با مأموریت و وظایف دستگاه، انجام برنامه‌ها، طرح‌ها و درجه رشد و ارتقاء و نیل به اهداف تعیین شده در سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب، شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات و مفاصل اداری و مالی.

ب) نحوه عملکرد و رفتار مسئولان از حیث اصول مدیریت، استفاده از منابع، ایجاد تحول و به‌کارگیری فن‌آوری‌های نوین در جهت تسریع و تسهیل در امور و نیز صحت عمل، حسن شهرت، انضباط، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، رعایت حقوق مردم و اخلاق حرفه‌ای و شئون اسلامی.

ج) اوضاع عمومی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعم از آن که مربوط به تمام یا بخشی از کشور باشد از قبیل ... فرهنگ گردشگری، آموزش و تربیت، بهداشت، سلامت و رفاه اجتماعی ... حقوق شهروندی و حفظ محیط‌زیست در حدود وظایف و مأموریت‌های دستگاه‌های مشمول بازرسی و اختیارات قانونی سازمان.

توجه به گستره نظارت و بازرسی مستمر سازمان و سازمان‌های مورد نظارت، اهمیت آن را روشن می‌سازد: بازرسی و نظارت مستمر کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و امور اداری و مالی دادگستری، سازمان‌ها و دستگاه‌های تابعه قوه قضاییه و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداریها و مؤسسات وابسته به آنها و دفاتر اسناد رسمی و مؤسسات عام‌المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است یا دولت به نحوی از انحاء بر آنها نظارت یا کمک می‌نماید و کلیه سازمان‌هایی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام آنها است براساس برنامه منظم. (بند الف ماده ۲ قانون تشکیل سازمان).

در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام وقوع جرمی با حیثیت عمومی از جمله جرایم زیست محیطی باشد، رئیس سازمان یا مقامات مأذون از طرف وی یک نسخه از گزارش اختصاصی (موضوع مواد ۵۲ و ۵۳ آیین نامه اجرای قانون تشکیل) را با دلایل و مدارک مربوط برای تعقیب و مجازات مرتکب به مرجع صالح قضایی ارسال و موضوع را تا حصول نتیجه نهائی پیگیری نمایند و درمورد تخلفات اداری، انضباطی و انتظامی مستقیماً مراتب رابه مراجع ذیربط منعکس نموده و پیگیری لازم را به عمل آورند. مراجع رسیدگی کننده مکلفند وقت رسیدگی و جهت حضور را به اطلاع سازمان بازرسی کل کشور برسانند (بند د ماده ۲ قانون تشکیل سازمان). گزارشهای سازمان در مراجع قضائی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، انضباطی و انتظامی، خارج از نوبت و حداکثر ظرف مدت ۳ ماه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. چنانچه رسیدگی به پرونده‌ها بیش از مدت معین نیاز به وقت داشته باشد، مراجع مذکور باید جهات و دلایل آن را در پرونده درج و تصریح نمایند. آراء صادره مراجع قضائی با درخواست سازمان بازرسی کل کشور و موافقت دادستان ذیربط و آراء صادره هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، انضباطی و انتظامی با درخواست سازمان مذکور در مراجع ذیصلاح ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر بوده و این رسیدگی نیز خارج از نوبت خواهد بود. (ماده ۶ قانون تشکیل).

تبصره ۱- در مورد جرایم منتهی به ورود خسارت به اموال دولتی و حقوق عمومی و تضییع آنها دادستان ضمن تعقیب کیفری متهم یا متهمان در دادگاه صالح در صورت احراز ورود خسارات و ضرر و زیان، رأساً جبران آن را بدون پرداخت هزینه دادرسی از دادگاه درخواست می‌نماید. دستگاه‌های ذیربط موظف به همکاری با دادستان در جمع‌آوری دلایل و مدارک و پیگیری موضوع می‌باشند (تبصره ۱ ماده ۲ قانون).

هر چند در نظام حقوقی کنونی ما، امکان اقامه دعوای مدنی در حوزه محیط زیست توسط اشخاص خصوصی و سازمانهای غیر دولتی به دلیل نداشتن سمت و ذینفع مستقیم بودن با تردید همراه است اما به موجب ماده ۱۲ و ۶۵ آیین نامه سازمان، این امر نزد سازمان بازرسی امکان‌پذیر است: سازمان می‌تواند به شکایات و اطلاعات اشخاص، در خصوص سوء جریان اداری و مالی و نقض قوانین و مقررات دستگاه‌های موضوع نظارت و کارکنان آنها رسیدگی نماید (ماده ۱۲). سازمان در اجرای بند «الف» ماده ۱۱ قانون، می‌تواند از ظرفیت تشکلهای غیردولتی و مردم‌نهاد و افراد واجد شرایط، در حدود اختیارات قانونی در زمینه‌های مختلف از جمله در امر پیشگیری از وقوع جرم، جلوگیری از تضییع اموال عمومی و منابع طبیعی، حفظ محیط‌زیست و ارتقای میزان سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، توسعه فرهنگ قانون‌مداری و کسب اطلاعات و اخبار ارزیابی‌ها و پیشنهادها بهره‌مند شود و از نیروهای متخصص و کارشناس تشکلهای مذکور در انجام برنامه‌های نظارت و بازرسی، انجام تحقیقات و مشاوره‌های تخصصی حسب مورد استفاده نماید (ماده ۶۵).

۳-۲-۲. سازمان حفاظت از محیط زیست

بر اساس ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، سازمان از صلاحیت اتخاذ اقدام مثبت برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست برخوردار است و لازمه حمایت موثر سازمان از محیط زیست هم داشتن این صلاحیت است. در صورت اعتراض، ذینفع حق اعتراض در مراجع قضایی را داشته باشد و گرنه، اتخاذ اقدام اداری از جمله تعطیلی موقت واحدها و کارگاههای آلوده کننده و تخریب کننده محیطی زیست، به کسب موافقت قبلی مراجع قضایی موجبات ورود خسارات غیرقابل جبران خواهد بود. به موجب این ماده، سازمان با توجه به مقررات و ضوابط ...، کارخانجات و کارگاه‌هایی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم می‌نمایند مشخص و مراتب را کتباً با ذکر دلایل بر حسب مورد به صاحبان یا مسئولان آنها اخطار می‌نماید که ظرف مدت معینی نسبت به رفع

موجبات آلودگی مبادرت یا از کار و فعالیت خوداری کنند. در صورتیکه در مهلت مقرر اقدام ننماید به دستور سازمان از کار و فعالیت آنها ممانعت به عمل خواهد آمد. در صورتیکه اشخاص ذینفع نسبت به اخطار یا دستور سازمان معترض باشند می‌توانند به دادگاه عمومی محل شکایت نمایند دادگاه فوراً و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی می‌کند و در صورتیکه اعتراض را وارد تشخیص دهد رأی به ابطال اخطار یا رفع ممانعت خواهد داد. رأی دادگاه قطعی است. رئیس سازمان می‌تواند در مورد منابع و عواملی که خطرات فوری در برداشته باشند بدون اخطار قبلی دستور ممانعت از ادامه کار و فعالیت آنها را بدهد.

سازمان بر اساس قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (ماده ۱۴) و قانون شکار و صید (ماده ۱۸) در مورد جرائم مذکور در این قوانین، حسب مورد شاکی و یا مدعی خصوصی شناخته می‌شود. مأمورین سازمان که از طرف سازمان مأمور کشف و تعقیب جرائم مندرج در قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست می‌شوند در صورتیکه وظائف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص زیرنظر دادستان عمومی تعلیم گرفته باشند از لحاظ اجرای این قانون و قانون شکار و صید در ردیف ضابطین دادگستری محسوب می‌شوند (ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست).

۳-۲-۳. دادرسی

بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است و از جمله وظایفی مذکور در این اصل که بر عهده دادرسی قرار می‌گیرد عبارتند از: ... ۲ - احیای حقوق عامه... ۴ - کشف جرم، تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین ... ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین. در راستای این اصل، به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، ... و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادرسی عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان، دادرسی نظامی تشکیل می‌شود (ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری). در نظام حقوقی ایران، معیارهای تعقیب تخلفات زیست محیطی توسط دادرسی در قوانین و مقررات ذکر نشده و به جرایم به صورت عام و مطلق پرداخته شده است. لازم به ذکر است که جرایم زیست محیطی هم در قانون مجازات اسلامی به عنوان قانون عام و هم در قوانین خاص زیست محیطی جرم انگاری شده است

که نیازمند تسلط دادستان‌ها، دادیاران و بازپرسان به قوانین و مقررات زیست محیطی است و همکاری مشترک و تنگاتنگ دادرها با سازمان حفاظت محیط زیست در تعقیب کیفری جرایم زیست محیطی را طلب می‌کند. دادستانها باید صلاحیت تعقیب کیفری خود را در قبال تخلفات زیست محیطی که دربرگیرنده یک یا چند مورد از عوامل تشدیدکننده زیر است اعمال کنند: ۱- پیامدهای مهم بهداشت عمومی یا خسارت زیست محیطی؛ ۲- رفتار گمراه کننده و فریبکارانه؛ ۳- اقدام خارج از مقررات؛ ۴- نقض‌های مکرر. با این کار، دادستان‌ها می‌توانند بر تعقیب تخلف‌های ناشی از کوتاهی در پیشگیری از آلودگی تمرکز کرده و متهمانی که با حسن نیت عمل می‌کنند یا افرادی که مرتکب تخلفات فنی شده‌اند را هدف گیری نکنند (Uhlmann, 2015, p. 6). وزارت دادگستری آمریکا عوامل متعددی را در طرح اتهام کیفری مد نظر قرار می‌دهد: آیا مجرم به صورت داوطلبانه تخلفات، همکاری به موقع و میزان همکاری را اعلام کرده؛ آیا اکنون اقدامات پیشگیری و برنامه‌هایی برای انطباق عملکرد وجود دارد و آیا الگویی برای عدم انطباق وجود دارد و آیا قبلاً مجازاتها و ضمانت اجرایی برای عدم انطباق اعمال شده است (Shover and Routh, 2005, pp. 350-351). ارتکاب جرم [در حوزه محیط زیست هم] می‌تواند موجب طرح دو دعوی شود:

الف - دعوای عمومی برای حفظ ... حقوق جامعه ... و ب - دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه دیده است (ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری). تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است (ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری). در ماده ۲۵ قانون فوق، به تشخیص رییس قوه قضاییه، تشکیل دادرهای تخصصی مقرر شده اما ذکر از حوزه محیط زیست به میان نیامده است و از بین موارد مذکور، دادرای جرایم کارکنان دولت (در صورتی که متهم به نقض قوانین و مقررات زیست محیطی که عنوان مجرمانه دارد شده باشند) و حقوق شهروندی مرتبط با محیط زیست می‌تواند باشد. با توجه به گستردگی حوزه‌های محیط زیست، تشکیل دادرای ویژه محیط زیست

۱. Significant environmental harm or public health effects.

۲. deceptive or misleading conduct

۳. operating outside the regulatory system.

۴. repetitive violations.

یا تعیین بازپرسان یا دادیاران ویژه محیط زیست در جایی که امکان تشکیل دادرسی ویژه امکان‌پذیر نیست ضروری می‌نماید تا بطور واقعی حقوق عامه در حوزه محیط زیست احیا گردد و در حال حاضر که دادرسی‌های تخصصی در این حوزه‌ها وجود ندارد جهت بهره‌گیری از تخصص و تجربه کارشناسان سازمان حفاظت محیط زیست، تحقیقات و بررسی‌ها به صورت مشترک با سازمان صورت گیرد.

در ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری، شکایت شاکی یا مدعی خصوصی، اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن، وقوع جرم مشهود در برابر دادستان یا بازپرس، اظهار و اقرار متهم و اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر به عنوان جهات قانونی شروع به تعقیب دادستان ذکر شده است می‌توان بر این نظر بود که اشخاص خصوصی می‌توانند جرایم زیست محیطی را با دادرسی‌ها گزارش کنند و دادرسی به عنوان نماینده منافع عمومی می‌تواند تعقیب کیفری را شروع کنند. اما به موجب ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از... محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند (ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری). به موجب ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، دادستان کل کشور مکلف است در جرایم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی که نیاز به طرح دعوی دارد از طریق مراجع ذیصلاح داخلی، خارجی و یا بین‌المللی پیگیری و نظارت نماید.

۴. خواننده در دعوای زیست محیطی

جرایم زیست محیطی حکومتی در وهله اول، امری غیرمعمول جلوه می‌کند چرا که فرض می‌شود حکومت قوانین را اجرا می‌کند. با این حال، شرایطی وجود دارد که سازمان‌های دولتی از قانون تبعیت نکرده یا در اجرای قانون کوتاهی می‌کنند و منجر به ورود خسارت‌های زیست محیطی می‌شوند از جمله این موارد، تخلیه پساب شهری به دریاچه‌ها و رودخانه‌ها قبل از تصفیه آنها یا دفع نامناسب زباله‌ها که به آلودگی خاک و انتشار گازهای سمی منجر می‌شود، می‌باشد. جرائم زیست محیطی حکومتی می‌تواند به دو دسته تقسیم گردد: فعل و ترک فعل. فعل شامل مشارکت در فعالیتی که منجر به خسارت می‌شود. ترک فعل شامل قصور عمدی در پیشگیری از ورود خسارت

زیست محیطی مثلاً کوتاهی در آزمایش و تصفیه آب آشامیدنی منجر به بیماری یا مرگ افراد. یکی از مهمترین ارکان دولتی آسیب زنده به محیط زیست، شرکتها و موسسات دولتی هستند (Gibbs and Boratto, 2008, p.15). طبق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی تمامی کارمندان دولت و شهرداری و موسسات وابسته به آن ها اعم از این که دارای شخصیت حقوقی باشند یا نه دارای مسئولیت مدنی هستند (سازمان های دولتی و محلی). حال سؤال این است که آیا عامل زیان محدود به اشخاص خصوصی و دولت و شهرداری هاست یا اینکه این اشخاص با توجه به زمان تصویب قانون مسئولیت مدنی، مصادیق غیر حصری است؟ جواب قطعاً این است که با توجه به زمان تصویب این قانون، در حال حاضر اشخاص عامل زیان یا مشمول مسئولیت مدنی، هم شامل اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی می تواند باشد و هم شامل اشخاص حقیقی (شخص مستخدم عمومی) و اشخاص حقوقی حقوق عمومی (کل نهادهای حکومتی جمهوری اسلامی ایران - اشخاص عمومی غیردولتی - نهادهای انقلابی) و در صورت ورود خسارت زیست محیطی از جانب هر کدام از اشخاص فوق الذکر، دارای مسئولیت مدنی محض خواهند بود. ضمن اینکه اشخاص حقوقی حقوق عمومی علاوه بر مسئولیت مدنی دارای مسئولیت اداری و سیاسی و حتی کیفری نیز خواهند بود.

۵. مراجع صالح برای رسیدگی در دعوای زیست محیطی

دادگاههای تخصصی زیست محیطی با صلاحیت کیفری و مدنی عام، بخش جدایی ناپذیر پاسخ موثر به جرایم زیست محیطی هستند چرا که تعیین قربانی، تحلیل مفهوم صدمه یا خسارت به محیط زیست و ارائه نتایج اصلاحی در محکومیت، وظایف پیچیده‌ای به هم پیوسته‌ای هستند که بهتر است به دادگاه‌های تخصصی و با قضات تخصصی واگذار شوند. همچنین شواهد حاکی از آن است که دادگاههای زیست محیطی تخصصی موثرتر عمل می کنند و در صورت اعطای صلاحیت کیفری و مدنی فراگیر و گسترده، کمک اساسی و جامع بر مدیریت زیست محیطی است. (Hamman and Walters and Maguire, 2015, p. 73)

۵-۱. مرجع صالح رسیدگی به جرایم زیست محیطی

بر اساس اصل سی و شش قانون اساسی، حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. لذا رسیدگی به جرایم زیست محیطی در صلاحیت دادگاه‌های کیفری است. «دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در

صلاحیت مرجع دیگری باشد.» (ماده ۳۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری) برای نمونه چنانچه «جرائم ارتكابی، موجب حبس ابد یا موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر باشد ... در صلاحیت دادگاه کیفری یک خواهد بود.» (ماده ۳۰۲ قانون فوق). سوالی که مطرح می‌شود این است که در صورتی که مجازات جرمی، دویست میلیون ریال و کمتر باشد (موضوع بند ح ماده ۹ ماده قانون شوراهای حل اختلاف) آیا شوراهای حل اختلاف صالح به رسیدگی خواهند بود؟ جواب قطعاً منفی است چون محیط زیست جزو اموال عمومی/ انفال محسوب می‌شود و رسیدگی به اموال عمومی و دولتی در صلاحیت شورای حل اختلاف نیست. (بند ت ماده ۱۰ قانون شوراهای حل اختلاف) و دلیل این امر هم این است که فلسفه اصلی تشکیل شورا، برقراری صلح است و صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیات وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد (اصل ۱۳۹ قانون اساسی).

۵-۲. مرجع صالح رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی زیست محیطی علیه اشخاص خصوصی در صورتی که خسارات وارده اشخاص به محیط زیست غیر عمدی بوده و دارای عنوان مجرمانه در قوانین عام و خاص نباشد، مرجع صالح رسیدگی، دادگاههای عمومی خواهد بود.

۵-۳. دادگاه صالح در دعاوی مسئولیت مدنی علیه سازمان‌های دولتی در صورتی که خسارت به محیط زیست از جانب دستگاههای اجرایی به حقوق اشخاص خصوصی هم لطمه بزند یا تصمیمات زیست محیطی دستگاههای مذکور، موجب ورود خسارت به اشخاص شود، اشخاص خصوصی مذکور می‌توانند نزد دیوان طرح دعوی نمایند. ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «حدود صلاحیت و اختیارات دیوان به قرار زیر است: ۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از: الف- تصمیمات و اقدامات واحد های دولتی اعم از وزارت خانه‌ها و سازمان‌ها و موسسات و شرکت های دولتی و شهرداری‌ها و سازمان تامین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و موسسات وابسته به آنها ب- تصمیمات و اقدامات ماموران واحد های مذکور در بند (الف) در امور راجع به وظایف آنها». همچنین تبصره یک ماده ۱۰ مقرر می‌دارد: «تعیین میزان خسارت وارده از ناحیه موسسات و اشخاص مذکور در بندهای (۱) و (۲) این ماده پس از صدور رای در

دیوان در وقوع تخلف با دادگاه عمومی است». بنابراین بر اساس ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، اشخاص حقوق خصوصی می‌توانند علیه تصمیمات و اقدامات سازمان‌های دولتی (از جمله همه نهادهای انقلابی و برخی از سازمانهای عمومی غیردولتی) که به تخریب و آلودگی محیط زیست منجر می‌شود و حقوق اشخاص خصوصی را نیز تضییع می‌نماید به طور مستقل در دیوان عدالت اداری طرح دعوی کنند و طبق تبصره ۱ بعد از اینکه دیوان استحقاق یا عدم استحقاق زیان دیدگان را تشخیص داد طرح دعوی مطالبه حقوق زیان دیدگان در دادگاه‌های عمومی خواهد بود.

اما طبق اصل ۱۷۰ قانون اساسی «چنانچه تصویب نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه باشد هر کس از جمله اشخاص خصوصی، عمومی و دولتی می‌تواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند». گزارش‌های بازرسی سازمان بازرسی در ارتباط با آئین نامه و تصویب نامه و بخشنامه و دستورالعمل‌های صادره و شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی که حاکی از تشخیص تخلف در موارد فوق‌الذکر باشد جهت رسیدگی و صدور رأی به دیوان عدالت اداری ارسال می‌گردد. رسیدگی به اینگونه موارد بطور فوق‌العاده و خارج از نوبت خواهد بود (تبصره ۲ ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور). همچنین طبق ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری که مقرر می‌دارد «حدود صلاحیت و وظایف هیات عمومی دیوان به شرح زیر است: ۱- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری و موسسات عمومی غیر دولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود»، اگر مصوبه سازمان دولتی و عمومی مخالف قانون و شرع باشد و یا سازمان در انجام وظایف خود سوء استفاده‌هایی بکند و یا در اجرای قوانین و مقررات تخلف کند و یا از انجام وظایف خود خودداری کند و بدین طریق موجب تضییع حقوق اشخاص خصوصی یا عمومی شود این اشخاص می‌توانند در این حیطه‌ها از سازمان یا نهاد عمومی و دولتی مذکور در دیوان عدالت اداری طرح دعوی کنند. در جایی که اختلاف بین نهادهای دولتی ناشی از نقض تعهدات قراردادی یا قانونی باشد، دادگاه‌های عمومی صلاحیت رسیدگی دارند. در عمل هم دستگاه‌های اداری تمایل دارند این قبیل

اختلافات خود را در دادگستری مطرح کنند (کاشانی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۵) اما زمانی که اختلاف پیش آمده ناشی از قرارداد یا ضمان قهری نباشد، مثلاً اگر بین دو سازمان زیرمجموعه محیط زیست اختلاف ایجاد شود و بر اساس بند «ه» ماده ۱ آیین نامه چگونگی رفع اختلاف بین دستگاه‌های اجرایی از طریق سازوکارهای قوه مجریه مصوب ۱۳۸۶ اختلاف نظر، در برداشت از قوانین و مقررات، تداخل وظایف قانونی یا اموال و حقوق مالی باشد، در صورتی که رؤسای دستگاه‌های زیرمجموعه نتوانند اختلاف را در چارچوب اختیارات قانونی موجود رفع کنند، اختلاف به رئیس سازمان محیط زیست ارجاع خواهد شد و این مقام در چارچوب اختیارات قانونی موجود رفع اختلاف خواهد کرد. اگر رفع اختلاف به مصوبه دولت نیاز داشته باشد، پیشنهاد لازم مستقیماً توسط مقام مذکور به هیأت وزیران تقدیم می شود. در حال حاضر، دادگاه‌ها در مواجهه با چنین دعاوی با مانع داخلی مواجهند، چرا که رئیس قوه قضائیه با صدور بخشنامه، دادگاه‌ها را از رسیدگی به دعاوی بین دستگاه‌های دولتی برحذر داشته و تأکید کرده است که با توجه به مصوبه دولت، مسئولان ارجاع پرونده باید دستگاه‌های دولتی را برای رفع اختلافات خود به راهکارهای داخلی قوه مجریه هدایت کنند و از ارجاع پرونده به دادگاه‌ها خودداری کنند (کاشانی، ۱۳۸۹، صص ۲۲۱-۲۲۳).

به موجب مواد ۹، ۱۱ و ۱۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و بند ج ماده ۱۲ و بند الف ماده ۱۳ قانون شکار و صید و اصلاحیه آن، سازمان محیط زیست دارای اختیارات لازم برای جلوگیری از آلودگی‌هاست. از آنجا که این سازمان، زیر نظر قوه مجریه است، دعاوی که از سوی آن طرح می‌شود، دعاوی دولت محسوب می‌گردد و اگر طرف دعوا نیز واحد دولتی باشد، رسیدگی به پرونده در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است (بهرامی احمدی و علم خانی، ۱۳۹۲، ص ۹۱).

۶. انواع جبران در دعاوی محیط زیست

مهمترین و اصلی‌ترین اثر مسئولیت مدنی الزام به جبران خسارت زیان دیده است. بنابراین شخصی که از نظر قانونی در مقابل دیگران مسئولیت مدنی دارد ملزم است ضررهای مادی و معنوی که به واسطه فعل یا ترک فعل وی به زیان دیده وارد شده است را جبران کند. در ماده یک قانون مسئولیت مدنی و اصل ۱۷۱ قانون اساسی به هر دو نوع ضرر (مادی و معنوی) و لزوم جبران آن تصریح شده است. ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی نیز مقرر می‌دارد: «در موردی که عمل وارد کننده

زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت مزبور محکوم می نماید». (امامی، استواری سنگری، ۱۳۹۰، ص ۳۶۵).

در مورد شیوه های جبران خسارت قانون مسئولیت مدنی شیوه خاصی را معین نکرده است و تنها ذیل ماده ۳ مقرر شده است که دادگاه میزان و طریقه آن را با توجه به اوضاع و احوال باید تعیین کند. در ادامه چند شیوه معمول بیان می شود:

۱-۶. دستور موقت

از آنجا که جبران خسارت های محیط زیست اغلب اوقات نمی تواند وضع را به حالت سابق برگرداند، بر اساس قاعده «وجوب دفع الضرر المحتمل» که از قواعد فقه اسلامی است باید از اقداماتی که احتمال می رود به محیط زیست آسیب برساند جلوگیری به عمل آید. دستور موقت یکی از راهکارهای قدیمی است که می تواند از آلودگی یا دیگر آسیب های زیست محیطی بکاهد این راهکار به طور معمول پس از ارزیابی جبران ناپذیر بودن زیان و تهدید سلامت عمومی، به طور خارج از نوبت صادر می شود. بنابراین در قضایای زیست محیطی که در آنها به اقدام فوری نیاز است مناسب به نظر می رسد (بهرامی احمدی و علم خانی، ۱۳۹۲، ص ۹۲).

طبق ماده ۳۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری که مقرر می دارد: «در صورتی که شاکی ضمن طرح شکایت خود یا پس از آن مدعی شود که اجرای اقدامات و یا تصمیمات یا آراء قطعی یا خودداری از انجام وظیفه توسط اشخاص و مراجع مذکور در ماده (۱۰) این قانون سبب ورود خسارتی می گردد که جبران آن غیر ممکن یا متعسر است، می تواند تقاضای صدور دستور موقت نماید. پس از طرح شکایت اصلی، درخواست صدور دستور موقت باید تا قبل از ختم رسیدگی، به دیوان ارائه شود. این درخواست مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نیست». همچنین طبق ماده ۳۷ که مقرر می دارد شعبه دیوان موظف است در صورت صدور دستور موقت، نسبت به اصل دعوی خارج از نوبت رسیدگی و رای مقتضی صادر نماید. بنابراین اگر عامل ایجاد زیان دولت (سازمان حفاظت محیط زیست نیز در داخل تعریف دولت می تواند قرار بگیرد) باشد نیز می توان علیه اقدام سازمان یا دولت دستور موقت صادر کرد.

۶-۲. برگرداندن وضع به صورت پیشین

برگرداندن وضع به صورت پیشین بدین معنی است که ضرر وارد شده چنان تدارک شود که گویی از اصل زیان وارد نیامده است (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۵۳۴).

ماده ۳۲۹ قانون مدنی در این باره مقرر می‌دارد: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت بر آید».

بند ۸ ماده ۲ کنوانسیون لوگانو تدابیر اعاده وضعیت را به عنوان هر گونه تدابیر متعارف و معقول با هدف اعاده یا بازگرداندن اجزای صدمه دیده یا تخریب شده محیط زیست یا (در صورت معقول بودن) ایجاد معادل اجزای مذکور محیط زیست تعریف می‌کند (بهرامی احمدی و علم خانی، ۱۳۹۲، ص ۹۲).

به موجب رای شعبه مدنی دیوان عالی کشور فرانسه «مشخصه مسئولیت مدنی عبارت است از برقراری مجدد و اصلاح دقیق به نحوی که بتوان تعادل و موقعیت از کف رفته زیان دیده را با جای دادن وی و با هزینه مسئول در وضعیتی که اگر فعل زیانبار رخ نداده بود قربانی در آن موقعیت یافت می‌گردید، ایجاد گردد» (قسمتی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۲۲).

اعاده وضع به حالت سابق می‌تواند از طریق «ترمیم»، «احیاء» و «پاکسازی» و اقداماتی از این قبیل صورت گیرد. در زمینه آلودگی هوا برای مثال پاک کردن ساختمان‌های آلوده به دود یا دوده یا ترمیم ساختمان‌هایی که در اثر آلودگی‌های مستقیم جوی آسیب دیده‌اند یا کاشتن درخت جدید به جای درختان خشکیده و احیاء سازه‌هایی که در اثر حوادث آلودگی آسیب دیده‌اند از مصادیق این روش هستند. اما در برخی موارد نظیر خسارات وارده بر رشد گیاهان، خسارات وارده بر سلامتی اشخاص مانند بیماری‌های صعب‌العلاج تنفسی و غیره امکان توسل به این روش بعید است (مشهدی، ۱۳۹۰، ص ۶۳).

درست است که این روش بهترین روش جبران خسارات زیست محیطی است، اما همانطور که قبلاً نیز اشاره شد در بعضی موارد کارایی ندارد. با این حال، باید دادگاه‌ها تاجایی که امکان دارد رای به استفاده از این روش برای جبران خسارات زیست محیطی دهند.

در حقوق ما، رویه قضایی در دعاوی جبران خسارت در روابط همسایگان نه تنها به جبران خسارات ناشی از تصرفات نامتعارف یا به قصد اضرار می‌پردازد، برای از بین بردن منبع ضرر (مانند پر کردن چاه و قیراندود کردن مجرای فاضلاب و از بین بردن باغچه نامتعارف و خراب کردن

دودکش) تردید نکرده است که خود اقدامی احتیاطی و بازدارنده از ضرر آینده است. در جایی که جبران خسارت از نظر فنی و عملی ممکن نیست راه حل های متفاوت ارائه شده است از جمله جانشین کردن منابع مخروب و آلوده با یک منبع معادل که می توان با دادن معادل مال تلف شده و یا منابع زیست محیطی از بین رفته آنها را جبران کرد (علم خانی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۶). مثلاً اگر درختی به وسیله فردی آتش گرفته یا قطع شده کاشتن درخت به جای آن می تواند جایگزین و معادل آن باشد اما اگر جایگزینی منابع از بین رفته امکان نداشته باشد با توجه به ارزش بالای منابع طبیعی حکم به پرداخت ضرر و زیان داده می شود.

۳-۶. جبران خسارت از راه دادن معادل

بدین معنی که چون اعاده وضع به صورت پیشین امکان ندارد ارزش معادل آنچه از دست رفته به دارایی زیان دیده افزوده شود (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۵۳۴). نکته ای که باید به آن اشاره کرد این است که این روش ها در عرض یکدیگر نیستند تا عامل ورود زیان بتواند به میل خویش یکی را برگزیند یا زیان دیده در انتخاب راهی که بیشتر می پسندد آزاد باشد.

خلاصه اینکه اول باید خسارت بطور کامل جبران شود یعنی وضع زیان دیده به حالت پیشین خود برگردد و اگر این کار میسر نبود از شیوه دوم یعنی دادن معادل یا تبدیل به پول استفاده شود. البته طبق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی دادگاه می تواند تا جایی که قانون اجازه داده میزان و کیفیت آن را تعیین کند.

۴-۶. الزام به پرداخت ضرر و زیان

ماده ۱۰ قانون حفاظت دریا و رودخانه های مرزی از آلودگی نفتی مقرر می دارد: «کشتی های مشمول این قانون ملزم خواهند بود که در حین ورود به دریای ساحلی ایران در مقابل خسارات احتمالی ناشی از آلوده کردن دریا بیمه شده باشند. کشتی هایی که بیمه نشده باشند باید حامل تعهدنامه مالی جهت جبران خسارت باشند...».

بند (د) ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مقرر میدارد: «به منظور فراهم نمودن امکانات و تجهیزات لازم جهت پیشگیری و جلوگیری از آلودگی ناشی از صنایع آلوده کننده، کارخانه ها و کارگاه ها و موظفند یک در هزار از فروش تولیدات خود

را با تشخیص و تحت نظر سازمان حفاظت محیط زیست صرف کنترل آلودگی‌ها و جبران زیان ناشی از آلودگی‌ها و ایجاد فضای سبز نمایند».

همچنین تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون جلوگیری از آلودگی هوا مقرر می‌دارد: «صاحبان و مسئولان اینگونه کارخانجات و کارگاههای آلوده کننده مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی به حکم دادگاه صالح می‌باشند».

طبق این مواد که نمونه‌هایی در قوانین ماست حقوق داخلی ایران تخریب کنندگان محیط زیست را به پرداخت ضرر و زیان ناشی از خسارات زیست محیطی ملزم کرده است.

۷. سازوکارهای تأمین جبران خسارت

۷-۱. ایجاد مسئولیت تضامنی

ایجاد مسئولیت تضامنی بین کسانی که در اتلاف یا غضب مالی دخالت داشته‌اند یکی از تضمینهای مرسوم جبران خسارت است. پیش‌بینی چنین مسئولیتی به زیان دیده امکان می‌دهد که برای وصول یک دین به چند مدیون رجوع کند و کمتر با اعسار مسئولان روبرو شود. بی‌گمان زیان دیده نمی‌تواند بیش از میزان خسارت چیزی به دست آورد. مدیون واقعی که سرانجام خسارت بر او تحمیل می‌شود یکی از مسئولان است و ذمه دیگران به منزله تضمین‌هایی هست که قانون‌گذار برای تأمین خسارت اندیشیده است (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۵۶۲).

قانون مدنی نیز در این باره در ذیل ماده ۳۱۷ مقرر می‌دارد: «مالک می‌تواند عین و در صورت تلف شدن عین مثل یا قیمت تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصب اولی یا از هر یک از غاصبین بعدی که بخواهد مطالبه کند». مسئولیت تضامنی عاملان زیان یکی از سازوکارهای مناسب برای حمایت از محیط زیست است چراکه باعث می‌شود در حد امکان خسارات زیست محیطی جبران نشده باقی نماند.

۷-۲. بیمه اجباری مسئولیت

هدف از اینگونه اجبارها، تأمین جبران خسارت زیان دیده است. بویژه برای اینکه زیان دیده با اعسار یا بد حسابتی عامل ورود ضرر رو به رو نشود، قانون اجازه داده است که زیان دیده بطور مستقیم به بیمه گر رجوع کند و در این راه نیازی به دخالت بیمه گذار ندارد (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۵۶۲).

برای بیمه اجباری مسئولیت می توان نمونه های زیر را در قوانین یافت. ماده ۳ قانون تامین اجتماعی کارگران مقرر می دارد: «کارفرمایان موظفند کارگران خود را صرف نظر از نوع کار و ترتیب استخدام و نحوه پرداخت مزد یا حقوق (اعم از نقدی یا غید نقدی) نزد سازمان بیمه نمایند».

ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مقرر می دارد: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است...» یا مثلاً می توان اعطای مجوز شهرداری برای ساخت و ساز را که یکی از ملزومات آن بیمه کردن کارگران ساختمانی است را از این نمونه نام برد.

در صورتی که شرط اعطای مجوز فعالیت برای هر شخص حقوق عمومی یا خصوصی که نوعاً کمترین احتمال خسارات زیست محیطی هم در آن وجود دارد به بیمه اجباری مسئولیت باشد در آن صورت به صرف اثبات ورود ضرر و احراز رابطه سببیت برای جبران آن توسط بیمه گر کافی خواهد بود امری که باعث می شود سازمانهای متولی (سازمان حفاظت از محیط زیست و اشخاص اعم از اشخاص ذینفع مستقیم یا اشخاصی که حیطه فعالیت شان حمایت از محیط زیست است) از پیچ و خم اثبات تقصیر فارغ شوند و خسارات زیست محیطی جبران نشده باقی نماند.

۷-۳. صندوق تامین خسارت

به موجب ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی: «برای جبران زیان های بدنی وارد به اشخاص ثالث به علت بیمه نبودن وسیله نقلیه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق قرارداد بیمه، تعلیق تامین بیمه گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه گر قابل پرداخت نباشد و یا... (صندوق تامین خسارت های بدنی) تاسیس می شود که به وسیله شرکت سهامی بیمه ایران اداره خواهد شد...».

خسارات زیست محیطی از جمله خسارتهایی است که بتدریج و با گذشت زمان ایجاد می شود و گاه شناخت و تشخیص عامل یا عاملان زیان به شدت دشوار و ناشناخته است یا حوادث قهری، مبانی و ارکان و شرایط مسئولیت را به هم می زند لذا پیش بینی صندوق تامین خسارات از محل اختصاص درصدی از بیمه های اجباری مسولیت و عوارض دریافتی و نیز کمک اجباری دولت برای پوشش این گونه خسارات زیست محیطی با توجه به اهمیت محیط زیست الزامی به نظر می رسد.

نتیجه

۱. از آنجا که محیط زیست سالم یک خیر مشترک و اقدام به آن از مصادیق واقعی امر به معروف و جلوگیری از خسارات هم از مصادیق نهی از منکر است و حق بر محیط زیست سالم هم یک حق شهروندی است که هم دارای ابعاد فردی و هم دارای ابعاد جمعی است و آسیب و خسارات به محیط زیست دارای آثار زیانبار و در برخی موارد حتی جبران ناپذیر بر کل پیکره طبیعت و حیات فردی و جمعی می شود لذا با معیار احراز تقصیر نمی توان حمایت مناسبی از محیط زیست نمود و باید مسولیت محض عامل یا عاملان زیان به عنوان مبنای مسئولیت مدنی در این حوزه مدنظر قرار گیرد.

۲. نقش قوه قضائیه در حوزه محیط زیست شامل نظارت و پیشگیری فراگیر و فعالانه (نظارت بر حسن جریان امور و حسن اجرای قوانین در ادارات عمومی و دولتی)، تعقیب فراگیر و فعالانه و جبران های قضایی موثر می باشد.

۳. یکی از شاخص های ارزیابی کارآمدی عملکرد قوه قضائیه و نهادهای اجرایی (و حتی قوه مقننه) در حوزه محیط زیست، توجه جدی به اصول اساسی حمایت زیست محیطی در کنار مبنای موثر مسئولیت (نظریه مسئولیت محض) است که به عنوان اصول راهبردی این حوزه دارای اهمیت اساسی است.

۴. در صورت ورود ضرر و وجود رابطه سببیت، اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی و نیز اشخاص حقیقی (شخص مستخدم عمومی) و اشخاص حقوقی حقوق عمومی (کل نهادهای حکومتی جمهوری اسلامی ایران - اشخاص عمومی غیردولتی - نهادهای انقلابی) خواننده دعوی قرار می گیرند.

۵. در نظام حقوقی کنونی، هم شهروندان عادی و هم سازمانهای غیر دولتی فعال در حوزه محیط زیست می توانند شاکی جرایم زیست محیطی باشند اگرچه در حوزه دعاوی مدنی زیست محیطی تردید وجود دارد. از ارکان قوه قضائیه، سازمان بازرسی کل کشور به عنوان ناظر فعال، فراگیر و پیشگیرانه در حوزه عملکرد نهادهای عمومی و دادرسی به عنوان نهاد تعقیبی عام و فراگیر (در حوزه عملکردی اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و عمومی) در مقام تامین منافع عمومی و احیای حقوق عامه می توانند شاکی در حفاظت از محیط زیست باشند که این امر خود تضمین قضایی نقش سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری به عنوان متولیان اجرایی و شاکیان دولتی دیگر می باشد. کارآمدی و اثربخشی عملکرد سازمان بازرسی و دادرسی با توجه به

تخصصی و گسترده بودن حوزه های محیط زیست، از طریق همکاری تنگاتنگ این دو رکن با کارکرد فراگیر و پیشگیرانه قوه قضائیه با سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری و مشارکت دادن مردم بیشتر تامین می گردد.

۶. مراجع صالح به رسیدگی در صورتی که خوانده، نهاد دولتی یا نهاد انقلابی یا شهرداری ها یا سازمان تامین اجتماعی و نهادهای وابسته به آنها و خواهان اشخاص خصوصی باشند دیوان عدالت اداری و در صورتی که خواهان و خوانده، اشخاص حقوقی حقوق عمومی باشند (در صورتی که اختلافات در درون قوه مجریه حل نگردید) دادگاههای دادگستری مرجع صالح رسیدگی خواهند بود و مرجع صالح رسیدگی به جرایم زیست محیطی، دادگاههای کیفری است.

۷. انواع جبران های قضایی می تواند دستور موقت، اعاده به وضع پیشین، جبران خسارت از راه دادن معادل یا الزام به پرداخت ضرر و زیان باشد اما در حوزه زیست محیطی، سازوکار کارآمد و موافق با مسئولیت محض (به عنوان مبنای مناسب مسئولیت مدنی)، شناسایی مسئولیت تضامنی، بیمه اجباری مسئولیت و صندوق تامین خسارات زیست محیطی می باشد.

منابع

فارسی

- آریا پارسا، آیدا (۱۳۹۳)، **حقوق محیط زیست و توسعه پایدار**، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- امامی، محمد؛ استوار سنگری، کورش (۱۳۹۰)، **حقوق اداری**، جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: نشر میزان.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵)، **مسئولیت مدنی**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- بهرامی احمدی، حمید؛ علم خانی، اعظم (۱۳۹۲)، **تأملی بر جنبه های کاربردی دعوای مسئولیت مدنی علیه دولت در قبال خسارت های زیست محیطی**، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۵.
- تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۴)، **حقوق محیط زیست در ایران**، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- جم، فرهاد (۱۳۸۷)، **دسترسی به عدالت زیست محیطی: کاوشی در نظریه سمت و طرح دعوای منفعت عمومی در ایالات متحده آمریکا**، نشریه حقوق اساسی، سال هفتم، شماره ۹.
- خوئینی، غفور و کرمی، سعید (۱۳۹۳)، **مسئولیت مدنی، ناشی از آلودگی های زیست محیطی در انفال**، دانش حقوق مدنی، سال سوم، شماره ۱.
- رضائی قوام آبادی، محمدحسین و جوادمنش، جواد (۱۳۹۵)، **مطالعه تطبیقی گستره مفهوم ذینفع در اقامه دعوی زیست محیطی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا**، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۴.

- زرگوش، مشتاق (۱۳۹۲)، **مسئولیت مدنی دولت و کارکنان آن: قواعد اختصاصی**، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.
- شاه حسینی، عطیه و مشهدی، علی (۱۳۹۵)، **جبران خسارات زیست محیطی بر اساس طرح ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین الملل مبنی بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک**، پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۹، شماره ۵۵.
- شهیدی، مهدی (۱۳۷۷)، **آثار قراردادهای و تعهدات**، چاپ اول، تهران: نشر حقوقدان.
- شلتون، دینا و کیس، الکساندر (۱۳۸۹)، **کتابچه قضائی حقوق محیط زیست**، ترجمه محسن عبداللہی، معاونت حقوقی و توسعه قضائی قوه قضائیه، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- علم خانی، اعظم (۱۳۹۳)، **مسئولیت مدنی دولت در قبال آلودگی‌های زیست محیطی**، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲)، **موجبات ضمان (درآمدی بر مسئولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی)**، تهران: نشر میزان.
- فهیمی، عزیزالله (۱۳۹۶)، **ضرر در خسارتهای زیست محیطی**، مجله حقوق تطبیقی، (نامه مفید) شماره ۱۰۷.
- فهیمی، عزیزالله؛ مشهدی، علی (۱۳۹۰)، **فقه شیعه و تحول در مبانی مسئولیت مدنی زیست محیطی**، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۱، شماره ۱.
- قاسمی، ناصر (۱۳۸۴)، **حقوق کیفری محیط زیست**، چاپ دوم، ویراست دوم، تهران: انتشارات جمال الحق.
- قسمتی تبریزی، علی (۱۳۸۳)، **اصل جبران کامل زیان در مسئولیت مدنی**، پایان نامه گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)، **دوره مقدماتی حقوق مدنی: وقایع حقوقی**، چاپ هشتم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱)، **الزام‌های خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی)**، جلد اول، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر؛ انصاری، مهدی (۱۳۸۷)، **مسئولیت ناشی از خسارتهای زیست محیطی**، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲.
- مشهدی، علی و خسروشاهی، حسن و یوسفی، زینب (۱۳۹۱)، **بایسته‌های حقوق محیط زیست**، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- مشهدی، علی (۱۳۸۹)، **ترمینولوژی حقوق محیط زیست**، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- مشهدی، علی (۱۳۹۲)، **درآمدی بر حقوق مجوزهای دولتی**، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- مشهدی، علی (۱۳۹۵)، **دولت و محیط زیست: از رویکردهای بدون دولت تا رویکردهای مشارکتی**، سال دوم، شماره ۸.

- مشهدی، علی (۱۳۹۱)، **بنیادهای حقوق محیط زیست فرانسه**، چاپ اول، تهران: خرسندی.
- مشهدی، علی (۱۳۹۰)، **مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی هوا**، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، شماره ۲۵.
- کاشانی، جواد، (۱۳۸۹)، **چگونگی رفع اختلاف بین دستگاههای دولتی**، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۳۰.
- بهرامی احمدی، حمید و فهیمی، عزیزاله (۱۳۸۶)، **مبنای مسئولیت مدنی زیست محیطی در فقه و حقوق ایران**، دوره ۸، شماره ۲۶.

منابع انگلیسی

- Carnegie Department of Global Ecology, Environmental Risks, available in: https://dge.carnegiescience.edu/SCOPE/SCOPE.../SCOPE_15_1.1_chapter1_1-14.pdf, last visited 2018/5/16.
- Carole Gibbs and Rachel Boratto, 2018, Environmental Crime, Oxford Research Encyclopedia of Criminology, available in: <http://criminology.oxfordre.com/view/10.1093/acrefore/9780190264079.001.0001/acrefore-9780190264079-e-269?print=pdf>
- David M. Uhlmann, 2015, Prosecutorial discretion and Environmental Crime, TRENDS, vol. 46, No. 6, p. 6.
- Evan Hamman; Reece Walters; Rowena Maguire, 2015, Environmental crime and Specialist courts, current Issues in criminal Justice vol. 27, No. 1.
- Florica Brasoveanu and Alexandru Petru Lisievici Brezeanu, 2012, Conditions for Legal Liability for Environmental Damage, Contemporary Readings in Law and Social Justice, Volume 4(2).
- Shover, Neal and Routte, Aaron, s., 2005, Environmental Crime, Crime and Justice, vol. 32.